



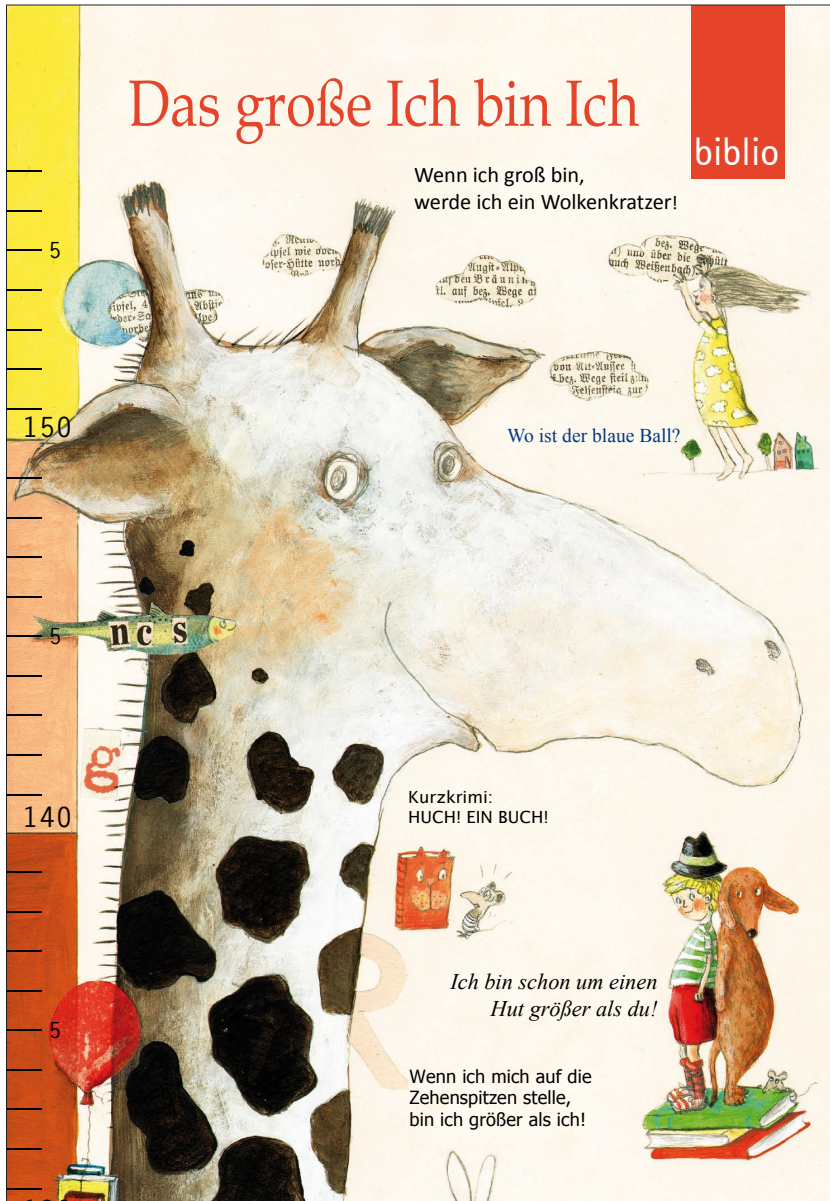
Buchstart

: interkulturell

biblio

Bücher und Bibliotheken bilden Brücken zwischen den verschiedenen Kulturen und Sprachen. Mit Übersetzungen der biblio-Leselatte und anderer Materialien möchten wir das Gespräch zwischen den Kulturen fördern.

Die folgende Übersetzung der Texte der Leselatte ins Persische stammt von: Dr. Nassim Sadaghiani. Wir bedanken uns ganz herzlich!



Das große Ich bin Ich

biblio

Wenn ich groß bin,
werde ich ein Wolkenkratzer!

Wenn
ich wie oben
ster-hüte hoch
stehe

Angst-Kind
auf den W r a n i k e n
il. auf des, Wege ei

auf des, Wege
und über die Spitze
auch Weisenhoge

Wo ist der blaue Ball?

Kurzkrimi:
HUCH! EIN BUCH!

Ich bin schon um einen
Hut größer als du!

Wenn ich mich auf die
Zehenspitzen stelle,
bin ich größer als ich!

من منم بزرگ

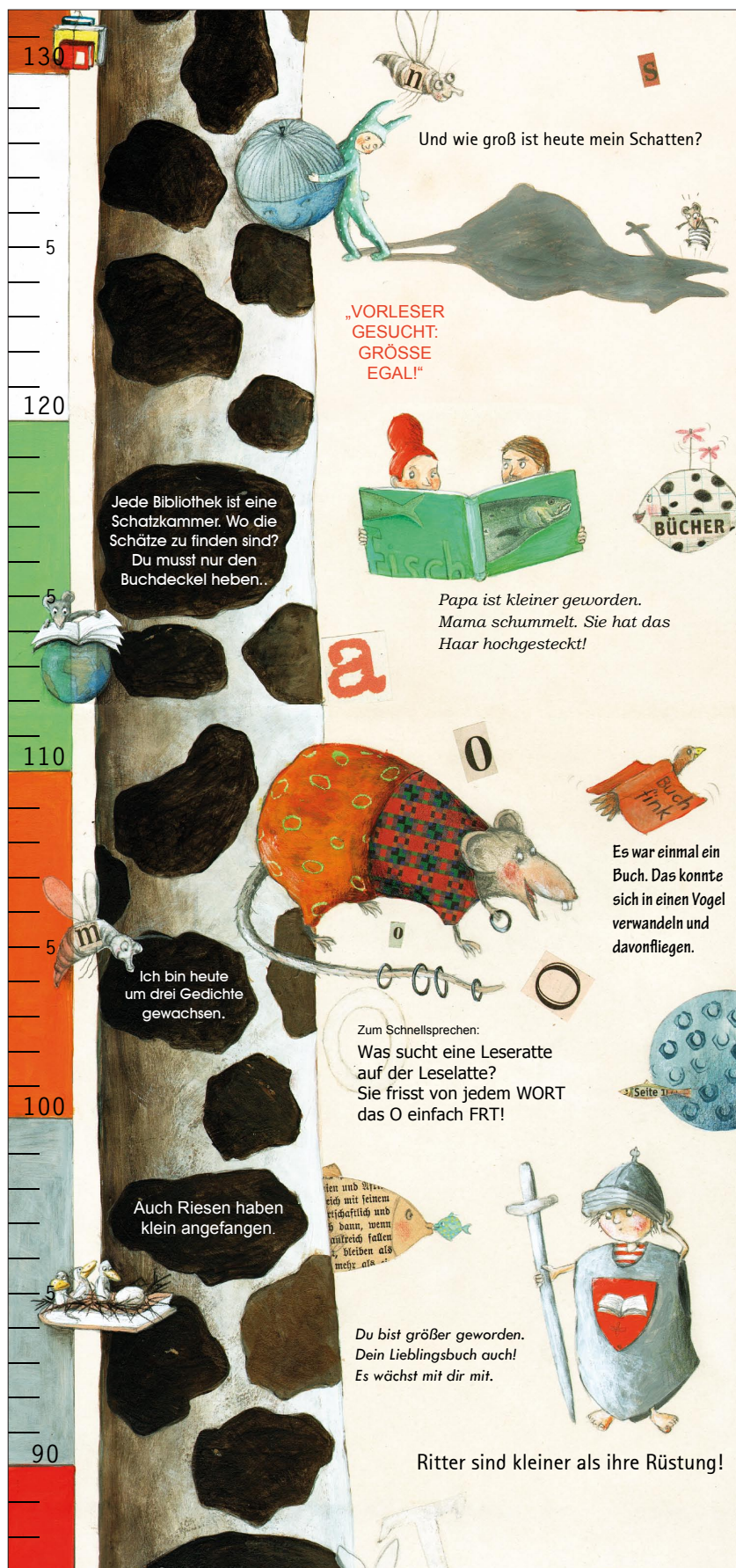
وقتی من بزرگ بشم ،
می خوام یک آسمانخراش بشم!

توپ آبی کجاست؟

یک قصه ی جنایی کوتاه:
آخ جون! یک کتاب!

من به اندازه ی یک کلاه از تو
بزرگترم!

اگر من نوک پنجه بایستم، از خودم
بزرگترم!



و سایه ی من امروز چه اندازه است؟

«یکی می خوام که برام
کتاب بخونه...
قدش مهم نیست چقدر
باشه!»

هر کتابخانه ای یک گنجینه است.
کجا می شه گنج ها را پیدا کرد؟
تو فقط باید جلد کتاب را باز کنی!

بابا کوچک تر شده. ماما کلک
می زنه.
او فقط موهاشو بالای سرش

یکی بود یکی نبود، یک
کتابی بود که تونست
پرنده بشه و پرواز کنه.

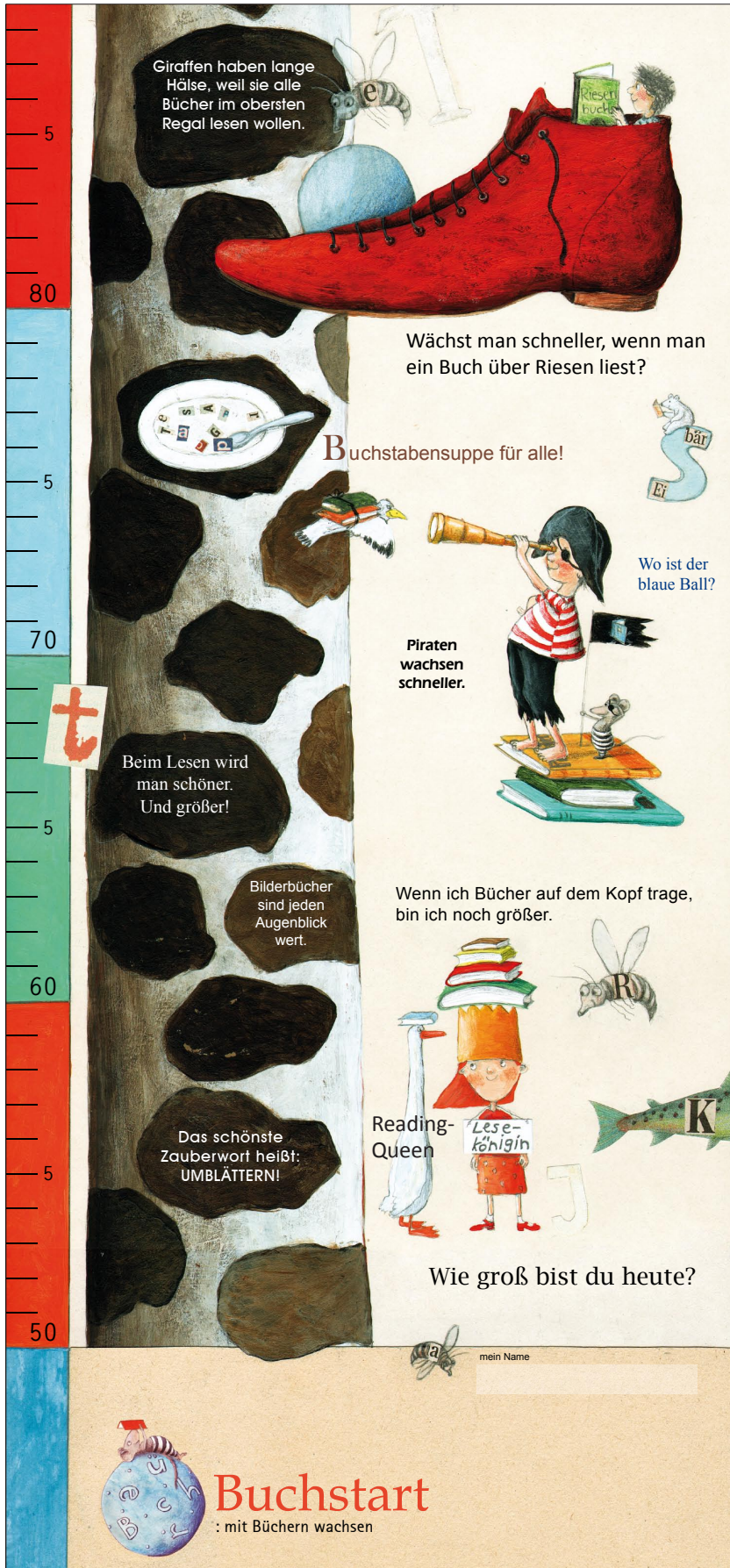
من امروز به اندازه ی
سه تا شعر قد کشیدم.

برای تمرین تند حرف زدن:
یک موش کتاب خون روی
« مطالعه نردبون» دنبال چی می گرده؟
او می بلعه از هر لغتی آشوب
تا بسازه لغ لغ و ت یو.

غول ها هم اولش کوچولو
بودن.

تو بزرگ تر شدی.
کتاب محبوبت هم همینطور!
کتابت هم با تو رشد می کنه.

جنگوها از زرهشون کوچک ترن!



زرّافه ها گردنشان درازه،
چون می خوان کتاب هایی رو که
روی بالاترین قفسه هست بخونن.

اگر کتاب راجع به یک گول بخونیم، زودتر بزرگ
می شیم؟

سوپ حروف الفبا برای همه!

توپ آبی
کجاست؟

دزدای دریایی
زودتر قد می
کشن.

موقع کتاب خوندن آدم
قشنگ تر می شه.
و بزرگ تر!

کتاب های بچه ها
راستی که ارزش
هر لحظه ای را که
صرفشون می کنیم
دارند.

کتاب های بچه ها راستی که
ارزش هر لحظه ای را که
صرفشون می کنیم دارند.

قشنگ ترین لغت
جادویی اینه:
کتابو ورق بزن!

امروز قَدَت چقدره؟

نام من:



Buchstart
: mit Büchern wachsen

شروع کتاب: همراه کتاب رشد کردن

دسته جمعی گشتن و کشف کردن.

کجا من توپ های آبی پیدا می کنم؟ اونا با هم چه فرقی دارند؟ می تونم اونا ها رو بشمارم؟
می تونن گلوله های آبی خودشون رو تغییر بدن؟ چند جور رنگ آبی وجود داره؟ و کجا سبز شروع می شه؟
چه حروفی رو می تونم پیدا کنم؟ با چه حرفی نام من شروع می شه؟ آیا می تونم این حروف رو پیدا کنم؟
چه حروفی رو می تونم پیدا کنم؟ با چه حرفی نام من شروع می شه؟ آیا می تونم این حروف رو پیدا کنم؟
چه حیواناتی رو می تونم پیدا کنم؟ این حیوانات چه طوری حرف می زنن؟ آیا می تونم صدای اونا ها رو تقلید کنم؟

قصه پیدا کردن و قصه ساختن.

یکی بود یکی نبود، یک پسر کوچکی بود که یک روز توی یک غاری در جنگل یک زره عجیب و غریب پیدا کرد. نشانی که این زره داشت، یک کتاب باز شده بود.
و هر موقع که سایه ی کلارا بزرگ تر می شد، زور او هم بیشتر می شد و تمام ترسش هم از بین می رفت، چون که در اون لحظه...
معمولا ماهی ها نمی تونن حرف بززن، اما یک ماهی هایی هستند به اسم «ماهی کتابی» که دو روز در سال...
این طور شد که «پرنده کتابی» این اسمو گرفت: در یک شب خیلی سرد زمستانی...

فکر کردن در مورد خودم و بقیه ی معجزه ها.

آیا سایه ها از من زودتر رشد می کنن؟ آیا می شه با سایه بازی کرد؟
چه شکلی رو از همه بیشتر دوست دارم؟
خودم دوست دارم کدام یکی از این شکل ها باشم؟ با کدام یکی می خوام دوست باشم؟
بعضی وقت ها احساس بزرگی می کنم و گاهی احساس کوچکی: امروز چقدر بزرگم و چه احساسی دارم؟
روایه های من چه قصه هایی تعریف می کنن؟

با سخن کاردستی درست کنیم و بازی کنیم.

حروف الفبا رو می شه جمع کرد و عوض کرد، چرخوند و گردوند.
چه لغت هایی بلدیم که با «آ» شروع می شن؟
اسم من چه جوری به گوش می آد، اگر اونو برعکس بخونم؟
کدوم حرف گرده، کدوم حرف زاویه دار، کدوم به گوش خشن میاد و کدوم لطیف؟

با کتاب رشد کردن.

با کتاب خواندن برای دیگران و گوش کردن. با فکر کردن و روایی بودن...
و توی کتابخانه ی عمومی من.